

غبارزدایی از آینه‌ها
ژاله خون شد؛ هفده شهریور، آغاز پایان رژیم شاه



واقعه میدان ژاله چنان خونین و مرگبار بود که کشمکش‌های گذشته میان دولت و مخالفان را از یاد برد.

این واقعه، پایان شورش‌های پراکنده و آغاز انقلاب واقعی بود.
زیگنیو برژینسکی، مشاور وقت امنیت ملی آمریکا

جمعهٔ سیاه Black Friday 1978 به واقعه کشتار تظاهرکنندگان در محلات فقیرنشین جنوب تهران و همچنین میدان ژاله، توسط نیروهای نظامی ارتش شاهنشاهی گفته می‌شود که در هفدهم شهریور ۱۳۵۷ و در جریان ناآرامی‌هایی که به انقلاب بزرگ ضد سلطنتی انجامید، رخ داد.

رویداد آنروز امکان به ثمر رسیدن اصلاحات تدریجی، آرام و لیبرالی را عقیم گذارد و هر گونه امید به مصالحه را از بین برد.

حکومت نظامی در تهران و ۱۱ شهر دیگر

چند روز پس از واقعهٔ مشکوک آتش‌سوزی سینما رکس آبادان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ که به پای دولت گذاشته شد، جمشید آموزگار مجبور به استعفا گردید. شش روز بعد چهارم شهریور ۵۷، جعفر شریف امامی با شعار آشتی ملی جلو آمد تا به قول خودش کاری کند کارستان. اما ۹ روز بعد (۱۳ شهریور)، راهپیمایی بزرگ عید فطر در تپه‌های قیطریه تهران، فصل تازه‌ای رقم زد و خشم و خروش مردم در تظاهرات عظیم ۱۶ شهریور به اوج رسید.

تظاهرات ۱۶ شهریور ۵۷ که بیش از نیم میلیون نفر از مردم تهران در آن شرکت کردند، بزرگ‌ترین گردهمایی انجام‌گرفته در ایران تا آن زمان بود. با گسترش تظاهرات، سپهبد ناصر مقدم، رئیس ساواک با استناد به نظر کارشناسان ساواک و اداره دوم ارتش، دستور شاه را برای برقراری حکومت نظامی در تهران و برخی شهرها به دست آورد و

دولت شریف امامی غروب ۱۶ شهریور ۱۳۵۷ در تهران و ۱۱ شهر دیگر (قم، تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز، آبادان، اهواز، قزوین، کازرون، جهرم و کرج) اعلام حکومت نظامی کرد.



فرماندار نظامی تهران و حومه ارتشبد غلام علی اویسی بود.

فرمانداران نظامی شهرهای دیگر

سرلشکر عبدالرضا اسفندیاری (شیراز)، سرلشکر رضا ناجی (اصفهان)، سرلشکر

بیدآبادی (تبریز)، سرتیپ عبدالرحیم جعفری (مشهد)، سرتیپ شمس

تبریزی (اهواز)، سرتیپ جهانگیر اسفندیاری (آبادان)، سرلشکر کمال

نظامی (قم)، سرتیپ غفاری (کازرون)، سرتیپ شاپور میرهادی (کرج)،

سرتیپ نعمت‌الله معتمدی (قزوین)، سرتیپ نادور (جهرم)

تشکیل هرگونه اجتماعی از ۲ نفر به بالا ممنوع است

شورای امنیت ملی دولت شریف امامی همان روز تشکیل جلسه داد و

به ضرورت برقراری حکومت نظامی در تهران و ۱۱ شهر دیگر رأی داده

شد. البته برخی از حاضران در آن جلسه استدلال می‌کردند که در

ساعات محدود باقیمانده تا صبح روز ۱۷ شهریور (زمان آغاز برقراری

حکومت نظامی) مردم امکان آگاهی از این تصمیم جدید دولت را

نخواهند داشت و نگران بودند.

جمعه ساعت ۶ صبح - ۱۷ شهریور ماه ۱۳۵۷ - ارتشبد غلامعلی

اویسی مقررات حکومت نظامی را که به قول وی به مدت شش ماه

باید در تهران و ۱۱ شهر دیگر رعایت شود اعلام نمود و در اطلاعیه

بعدی گفت:

«تشکیل هرگونه اجتماعی از دو نفر به بالا ممنوع است و به مامورین

انتظامی دستور اکید داده شده است که با متخلفین به شدت برخورد

کنند.»

همچنان که پیش‌بینی می‌شد، مردم نتوانستند در جریان تصمیم دولت

قرار بگیرند، به همین دلیل از صبح روز ۱۷ شهریور در بسیاری از نقاط

تهران و سایر شهرها به خیابان‌ها ریخته و بدون توجه به اختارهایی

که درباره برقراری مقررات حکومت نظامی داده می‌شد، بر ضد رژیم به تظاهرات پرداختند.

...

در تظاهرات ۱۶ شهریور، راهپیمایی فردا جمعه، دهان به دهان می‌گشت.

از اولین ساعات صبح روز جمعه، مردم برای شرکت در راهپیمایی راهی میدان ژاله شدند. غافل از آنکه از ساعت ۶ صبح، حکومت نظامی اعلام و در حال اجراست و اجتماع بیش از دو یا سه نفر ممنوع است.

...

گفته می‌شود فرماندهان نظامی ابتدا چندبار با بلندگو از مردم خواستند که متفرق شوند و وقتی با بی‌تفاوتی روبه‌رو شدند، به سوی آنان آتش گشودند.

بخشی از گزارش خبرنگار روزنامه فیگارو از تهران روز واقعه

«ساعت ۸ صبح میدان ژاله، ارتش و نیروهای امنیتی کاملاً در میدان مستقر گشته‌اند و تمام راه‌هایی را که به میدان متصل می‌شود بسته‌اند. ماسک‌های ضد گاز، کلاه‌کاسک‌ها، سرنیزه‌ها و تفنگ‌های نشانه رفته در پرتو نور خورشید می‌درخشید. راه‌پیمایان و تظاهرکنندگان کجا هستند؟ بله اینجا هستند. در میدان و کوچه‌ها طوری موضع گرفته‌اند که به سختی دیده می‌شوند و در حالتی جدی و فریب‌دهنده اما کاملاً هوشیار و آگاه از ریسکی که در پیش دارند، آن هم بدون کوچک‌ترین سلاحی و تنها با دست خالی همراه با فریادها و پلاکاردهایی که در دست دارند. در ساعت هشت و پانزده دقیقه از قسمت فرماندهی نظامی صدایی که با بلندگو تقویت شده‌است چنین می‌گوید:

حکومت نظامی است. به شما دستور داده می‌شود که متفرق شوید، ما را مجبور به تیراندازی نکنید...

ساعت ۹ و ۱۵ دقیقه از قسمت دیگر میدان به یکباره صدای رگبار مسلسل‌ها شنیده می‌شود... تیراندازی مدت ۳۰ ثانیه به طول انجامید. تیراندازی به مردم بی‌دفاع و بی‌سلاح چه کار آسانی بود...»



واقعۀ ۱۷ شهریور پیامدهای زیادی داشت

واقعۀ ۱۷ شهریور پیامدهای زیادی داشت و ناآرامی‌ها وارد مرحله جدیدی شد. نخست‌وزیر وقت جعفر شریف امامی برای آرام کردن فضای بحرانی کشور، به تقلا افتاد و طی نطقی از واقعۀ میدان ژاله ابراز تأسف کرد و کشته‌شدگان و جان باختگان ۱۷ شهریور را مورد تکریم قرار داده و به مردم به دلیل این فاجعه تسلیت گفت. موضع‌گیری وی از سوی «پرنیان فر» رئیس ساواک تهران، مورد اعتراض واقع شد و وی طی نامه‌ای خطاب به مقدم، به دیدگاه نخست‌وزیر توپید و پرسید که اگر سخن شریف امامی در ادای احترام به کشته‌شدگان در روز ۱۷ شهریور مورد تأیید مجموعه حکومت بوده باشد، پس در این میان نیروهای امنیتی و انتظامی که به دستور حکومت در آن روز مرتکب این به اصطلاح کشتار شدند، در چه جایگاهی قرار خواهند گرفت؟

پرنیان‌فر هشدار داد که سخنان نخست‌وزیر آثار و تبعات سوئی در تضعیف روحیه نیروهای ساواک و دیگر نیروهای نظامی و انتظامی بر جای خواهد گذاشت.

...

از مهم‌ترین پیامدهای ۱۷ شهریور توسعه اعتصابات به شکلی فراگیر در سراسر کشور بود. با توسعه ی اعتصابات صاحبان سرمایه از هرگونه سرمایه‌گذاری جدید امتناع می‌کردند. در نتیجه بحران بیکاری رو به افزایش نهاد، فرار سرمایه‌ها و خروج ذخایر ارزی تشدید گردید و رژیم شاه به تنگنا افتاد.

۱۷ شهریور ۱۳۵۷ بین مردم و حکومت بیش از پیش شکاف انداخت و امکان هر نوع پیوستگی یا سازش را از بین برد. همچنین مشی مبارزه مسالمت آمیز در چارچوب قانون اساسی زیر سوال رفت و تلاش‌ها برای سرنگونی رژیم پهلوی به شکلی قهرآمیز مورد حمایت قرار گرفت.

شایع شد فرمانداری نظامی دستور دستگیری کریم سنجابی، مهندس بازرگان، داریوش فروهر، عبدالکریم لاهیجی، محمود به‌آذین، هدایت‌الله متین دفتری و رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای را داده و همه آنها دستگیر شده‌اند. (که چنین نبود)

واقعه ۱۷ شهریور سال ۵۷ در میان وقایع سال آخر حکومت پهلوی از اهمیت زیادی برخوردار بود. در حقیقت با این کشتار، راه مخالفین و مبارزین برای همیشه از حکومت جدا شد.

...

اینکه علاوه بر ساواک و نیروهای نظامی، واحدهایی از سربازان اسرائیلی در جریان کشتار ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ دست داشته‌اند (یا بعکس)، فلسطینی‌های طرفدار عرفات بودند که به مردم در میدان ژاله شلیک کردند، واقعیت ندارد.

...

روزنامه کیهان ۲۹ فروردین ۱۳۵۸ نوشت:

«در اجرای عدل اسلامی و تعیین کیفر متهمین و متجاوزین به حقوق مردم و پاکسازی ارتش از وجود عناصری که با اقداماتی خیانت‌بار تصور ارتش ضد خلقی را القاء می‌کردند...»

۱ - سرهنگ پرویز شمیرانی

۲ - ستوان دوم عبدالله حاج عباسی

۳ - ستوان دوم مصطفی رخشان

۴ - گروه‌بان یکم کادر حجت‌الله اشرفی

۵ - گروه‌بان دوم وظیفه رضا موسیوند

۶ - سرباز وظیفه نعمت‌الله مرادی

به علت محاربه با خدا، رسول خدا، مردم ایران، نایب امام و فساد در ارض و شرکت مستقیم در قتل و کشتار مردم مبارز تهران و ایران در ۱۷ شهریور (جمعه سیاه) و روزهای استقرار حکومت سیاه نظامی به موجب حکم دادگاه انقلاب اسلامی محکوم به اعدام شدند و حکم صادره در ساعت ۲ و ۵۰ دقیقه سحرگاه امروز به مورد اجرا گذاشته شد.»

در میدان ژاله چند نفر جان باختند؟



فرماندار نظامی تهران در اطلاعیه شماره ۴ خود اعلام کرد:
 «در واقعه ۱۷ شهریور ۵۸ نفر کشته شده‌اند.»
 البته بعداً آمار ۸۷ کشته (و ۲۰۵ مجروح) را تأیید نمود. دادگستری اما
 این رقم را به ۹۵ نفر رساند.
 دکتر محمد باهری که در آن زمان عهده دار سمت وزارت دادگستری
 بوده است می‌گوید بنابر گزارش سازمان پزشکی قانونی و سازمان
 بهشت زهرا مجموع کشته شدگان روز هفدهم شهریور (و زخمی‌هایی
 که تا روز بیست و ششم شهریور فوت کرده‌اند) در مجموع ۱۲۶ نفر
 بود.

...

«پارسونز» سفیر انگلیس در تهران، تعداد شهدا را «صدها نفر» ذکر
 کرد و سولیوان سفیر آمریکا در گزارش خودش نوشت که در میدان ژاله
 «بیش از ۲۰۰ نفر از تظاهرکنندگان کشته شدند.»
 جیمی کارتر در مکالمه تلفنی با شاه، به کشته شدن ۹۵ نفر در میدان
 ژاله اشاره دارد و «جان دی استمپل» (از مسؤولین سفارت آمریکا در
 ایران) از قول منابع پزشکی جانباختگان میدان ژاله را بین ۲۰۰ تا ۴۰۰
 نفر ذکر می‌کند.

میشل فوکو فیلسوف فرانسوی که برای پوشش دادن وقایع انقلاب در
 یک روزنامه ایتالیایی به محل حوادث رفته بود، مدعی شد که ۴۰۰۰ تن
 در این روز هدف گلوله قرار گرفته‌اند.

...

واقعش این است که ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷ در میدان ژاله تهران ۶۳
 نفر جان باختند. (۶۴ نفر که در برخی منابع آمده، اشتباه است.)
 یک قاچاقچی مواد مخدر به نام علی مزده کار، که بعد از انقلاب فراری
 شده بود، با دوز و کلک دوستانش در میان شهدای ۱۷ شهریور گنجانده
 شد و حتی «کوچه باشگاه» واقع در حوالی میدان سرآسیاب دولا ب در
 منطقه چهارده تهران را، به نام وی نامگذاری نمودند.
 پس از چند سال علی مزده کار یواشکی به محل زندگی خود بازگشت
 اما با شناسایی اهالی این محله، بار دیگر جیم شد.

چند سال پیش با اعتراض دسته جمعی مردم محل، نام وی از لیست شهدا حذف شده است اما گویا کوچه، هنوز همان نام را دارد. کوچه شهید علی مژده کار!

...

۱۷ شهریور سال ۵۷ در پانزده نقطه دیگر تهران نیز ۲۴ نفر در درگیری‌ها کشته شدند. بنابراین تعداد کل شهدای ۱۷ شهریور سال ۵۷ در سراسر تهران ۸۷ نفر است.

...

دو تن از دوستانم که آنروزها در بهشت زهرا فعال بودند و اخبار مربوط به کشته شدگان را دنبال می‌کردند می‌گویند تعداد شهدا به مراتب بیش از این بود که به نظر من صحیح نیست.



پانویس

۱۷ شهریور و کانون فرهنگی هنری چاووش

از جمله پیامدهای واقعه ۱۷ شهریور، برکشیدن کانون فرهنگی هنری چاووش بود. یک روز بعد از کشتار میدان ژاله، (شنبه ۱۸ ۱۳۵۷) امیر هوشنگ ابتهاج (ه. الف. سایه)، محمد رضا لطفی، محمد رضا شجریان، حسین علیزاده... به همراه برخی از موسیقیدانان ایران از رادیو استعفا کردند و به این ترتیب کانون چاووش شامل دو گروه شیدا و عارف تاسیس شد و فصل تازه‌ای در موسیقی فاخر ایرانی رقم خورد. چاووش در آن سال‌ها فی‌الواقع خانه موسیقیدانان و نقطه عطف موسیقی ایرانی بود. آفرینش بیش از بیست قطعه موسیقی با کلام و بی‌کلام ماندگار و حفظ پیوستگی و انسجام ساختاری میان آنها کاری خطیر و بی‌مانند است که اوج آن را می‌توان در اجرای کنسرت دانشگاه ملی در سال ۱۳۵۸ دید. علاوه بر هوشنگ ابتهاج، که در سرودن و انتخاب اشعار زیبا، تاثیرگذار و متناسب با آهنگهای ساخته شده، نقش زیادی داشت، هنرمندانی چون محمدرضا لطفی، حسین علیزاده، پرویز مشکاتیان، محمدرضا شجریان، شهرام ناظری، برادران کامکار و... نیز چاووش را ماندگار کردند. چاووش یک پارادایم - الگوواره، سرمشق و الگوی مسلط - در موسیقی معاصر ایران بود.



ژاله خون شد
 شاعر: سیاوش کسرائی / آهنگساز: حسین علیزاده / خواننده: گروه کر
 مطلع شعر: ژاله بر سنگ افتاد چون شد
 اجرا: همسرایان گروه شیدا در سال ۱۳۵۷

...

ژاله بر سنگ افتاد، چون شد
 ژاله خون شد
 خون چه شد؟ خون چه شد؟
 خون جنون شد
 ژاله خون کن، خون جنون کن
 سلطنت زین جنون واژگون کن
 ژاله خون کن، خون جنون کن
 سلطنت زین جنون واژگون کن
 ژاله بر گل نشان، گل پران کن
 بر شهیدان در این گلستان کن
 نام گم نام ها جاودان کن
 تا به صبح آید این شام تیره
 در شب تیره آتشفشان کن
 در شب تیره آتشفشان کن
 دست در کن
 شو خطر کن
 خانه ی ظلم زیر و زبر کن
 دست در کن
 شو خطر کن
 خانه ی ظلم زیر و زبر کن

...

جان خواهر
 کارگر، روستایی، برادر
 پیشه ور، ای جوان، ای دلاور
 ما همه یک صف و در برابر
 آن ستم کاره، آن تاج بر سر
 دست در کن

شو خطر کن
خانه ظلم زیر و زیر کن
دست در کن
شو خطر کن
خانه ظلم زیر و زیر کن

...

خواهر من، گرامی برادر
چون به هر حال تنه‌است مادر
من به خاک افتادم تو بگذر
بهر ایجاد دنیای بهتر
بهر ایجاد دنیای بهتر
دست در کن
شو خطر کن
خانه ظلم زیر و زیر کن
دست در کن
شو خطر کن
خانه ظلم زیر و زیر کن

...

ای شما ای صف بی شماران
اشک من در نثار شماییان
بر سر هر گذرگاه و میدان
ژاله شد، ژاله شد
ژاله چون شد
ژاله خون، ژاله دریای خون شد
خون جنون
خون جنون
سلطنت واژگون
سلطنت واژگون
ژاله بر سنگ افتاد، چون شد
ژاله خون شد
خون چه شد ؟ خون چه شد؟
خون جنون شد
ژاله خون کن، خون جنون کن
سلطنت زین جنون واژگون کن

...

[صفحه غبارزدایی از آنه‌ها](http://www.hamneshinbahar.net/index.php?page=ghobarzodai)

<http://www.hamneshinbahar.net/index.php?page=ghobarzodai>

...

سایت همنشین بهار

<http://www.hamneshinbahar.net>